

# فصل اول

## آفرینش



### اهداف فصل اول:

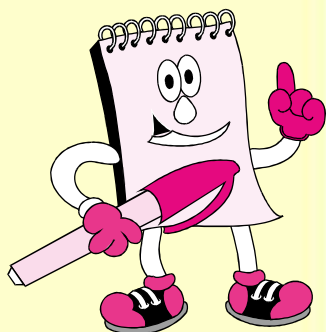
- آشنایی با آفرینش و تأمل در آن
- تقویت مهارت روخوانی
- درک متن و بهبود سواد خوانداری
- تقویت مهارت املا و نگارش
- توسعه‌ی شبکه‌ی واژگانی

### درس ۱

#### آفریدگار زیبایی

### اهداف درس اول:

- آشنایی با مراعات نظیر
- ارتقای مهارت درک مطلب
- گسترش دایره‌ی واژگان
- ارتقای مهارت نوشتاری





## درس‌نامه

**واژه‌های متناسب (مراعات نظیر):** واژه‌هایی هستند که از لحاظ معنایی به هم نزدیک و شبیه‌اند و معمولاً با شنیدن نام یکی، واژه‌های مرتبط با آن هم به ذهن ما می‌آید.

**مراعات نظیر در شعر:**

مثال یک: "بهار و باغ و گل" در مصرع: بهار و باغ و گل از او نشان است

مثال دو: "ابر و باد و مه و خورشید و فلک (آسمان)" در بیت "ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری"

**مراعات نظیر در نثر:**

مثال یک: روزی بهار، تابستان، پاییز و زمستان با هم گفت و گو می‌کردند.

مثال دو: روزی کشتی گرفتار موج‌های دریا شد.

**واژه‌های مهم املائی:** تصمیم، جهان افروز، اطراف، حشرات، گوک، منظره، طبیعت، بوته‌های انبوه، زینت، سراغ، ارغوانی، قطره، جلا، مهاجر، تصویر، ضخیم، سطح، قشر، براق، صنوبر، تابلو، خودنمایی، چیره دست، دریغ، شگفت‌انگیز، نظاره، لذت، هوشیار، معرفت، کردگار

## پرسش‌ها



۱- مانند نمونه جاهای خالی را با واژه‌ی مناسب پر کن.

**الف)** آن‌ها تصمیم گرفتند، خورشید (جهان افروز / تابان) را به داوری انتخاب کنند.

**ب)** روی کاج‌ها و صنوبرها پوشش (سنگینی / ..... ) از برف پوشانید.

**پ)** روی برف‌ها نقش و نگارها و جا پاهای (گونگون / ..... ) نقاشی کرد.

**ت)** در زیر نگاه (پرمهر / ..... ) خورشید دشت‌ها زیباتر خودنمایی کردند.



۲- درستی و نادرستی جمله‌های زیر را مشخص کن.

**الف)** فصل بهار دشت را با خوشه‌های طلایی رنگ گندم پوشانید.

**ب)** اطراف گودال‌های نیلی رنگ با گل‌های بنفشه و یاس پوشانده شد.

**پ)** منظور نویسنده از گردنبندهای صورتی بر شاخه‌های درختان هلو، بادام و سیب، شکوفه‌ها هستند.



۳- واژه‌های زیر را بخوان. سپس آن‌ها را به ترتیب حروف الفبا شماره‌گذاری کن و بنویس.

جلا - تابلو - تصمیم - غوک - قطره - بوت‌ه - قشر - چیره دست - تصویر



۴- گزینه‌های مربوط را به هم وصل کن.

**الف)** جنگل را با بوت‌ه‌های تمشک زینت داد.

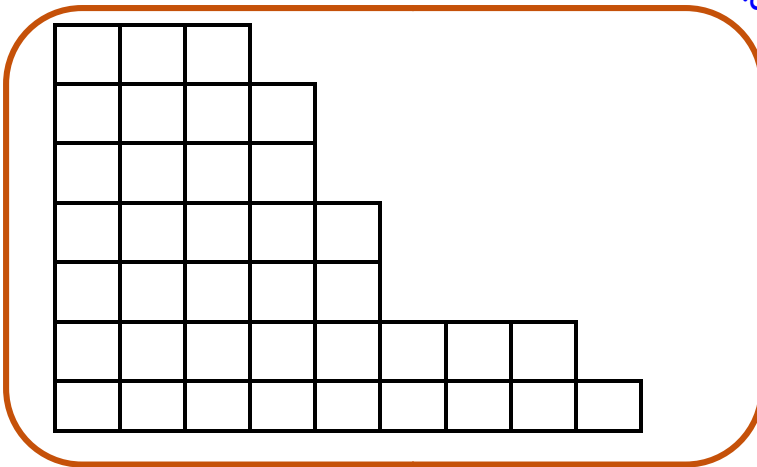
**ب)** سطح رودخانه‌ها را با قشر نازکی از یخ برآق کرد.

**پ)** حشرات گوناگون و زنبورهای عسل و پروانه‌ها را در حال پرواز نشان داد.

**ت)** روی سیم‌های برق دسته دسته پرستوهای مهاجر نشانید.

- زمستان
- پاییز
- بهار
- تابستان

۵- جدول زیر را با توجه به معنی واژه‌ها تکمیل کن.



- خودنمایی
- دریغ
- قشر
- آتشین
- برکه
- ضخیم
- آویخت

۶- در هر دسته از واژه‌های داخل کمانک، کدام نشانه مشترک است؟



(تصمیم، صنوبر، تصاویر، صحبت)

(ظریف، لحظه، نظارت، تنظیم)

(مغفرت، غرآن، غوغا، ارغوانی)

۷- مانند نمونه با تغییر نقطه، شکل و معنی واژه را تغییر بده. (هر جفت کلمه در دو لوزی کنار هم نوشته شود).

مثال: خدا جدا

<input type="text"/>	هشت:	<input type="text"/>	خواب:	<input type="text"/>	آجر:
<input type="text"/>		<input type="text"/>	مرد:	<input type="text"/>	سورن:

۸- متن زیر را از زبان گفتاری به نوشتاری تبدیل کن و بنویس.

من می‌دونم که اونا نیت پاکی دارن و همه‌ی تلاششون رو می‌کنن که کار زود و عالی تموم بشه. اما آدمای متخصص با نگاه تیز بین خودشون ایرادای کار رو به راحتی پیدا می‌کنن.

---



---



۹- واژه‌های جا افتاده ی شعر زیر را بر سر جای خود قرار بده.

- (الف) دل هر ..... تپید، رنگ گلبرگ .....  
 (ب) برگ ..... شد، سبزه ..... کشید  
 (پ) آهواز ..... گریخت، برگشت به ده .....  
 (ت) ..... باز رسید، از دشت به ده .....

۱۰- مفهوم بیت "برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار" را به زبان ساده و امروزی بنویس.




---

۱۱- در جای خالی هر جمله و مصرع، مفهوم بخشی که زیر آن خط کشیده شده است را بنویس.

(الف) بهار بر گردن درختان هلو، بادام و ... گردنبندهایی از گل‌های صورتی آویخت.

(ب) بر شاخه‌ی درختان آن قدر سیب گلگون آویخت، که شاخه‌ها تاب نیاوردند.



(پ) پاییز برای نقاشی خود، رنگ‌های آتشین را انتخاب کرد.

(ت) خدا را در دل خود جوی یک چند

(ث) دمی از بندگان خود جدا نیست

۱۲- در کدام گزینه جمع عربی واژه‌های (قشر - سطح - معرفت - لذت) به ترتیب آمده است؟

(الف) اقشار - سطوح - معروف - لذیذ

(ب) سطوح - معارف - اقشار - لذایذ

(ج) قشرها - مسطح - معارف - لذایذ

(د) اقشار - سطوح - معارف - لذایذ

۱۳- با استفاده از جان بخشی، از زبان یک برگ سرگذشت او را در چهار فصل بنویس.

بهار:



تابستان:



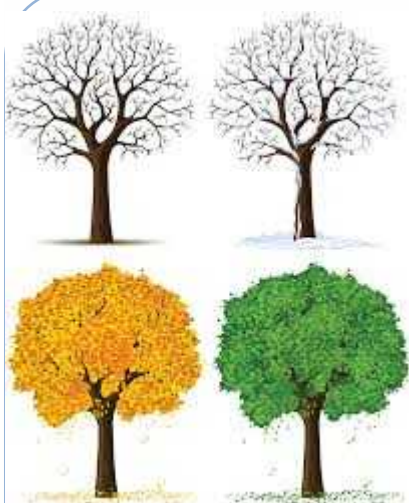
پاییز:





زمستان:

۱۴ - داستان زیر را بخوان. ابتدا نامی زیبا برای آن انتخاب کن. سپس برداشت خود را از آن در دو خط بنویس.



مردی چهار پسر داشت. آنها را به ترتیب به سراغ یک درخت گلابی فرستاد که در فاصله‌ای دور از خانه‌شان روییده بود.

پسر اول هنگام زمستان، دومی در بهار، سومی وقت تابستان و پسر چهارم در پاییز به کنار درخت رفتند. سپس پدر همه را فراخواند و از آنها خواست که بر اساس آنچه دیده بودند درخت را توصیف کنند.

پسر اول گفت: درخت زشتی بود، خمیده و در هم پیچیده.

پسر دوم گفت: نه! درختی پوشیده از جوانه و سرشار از شکوفه‌های زیبا و عطر آگین بود. درختی پر از امید شکفتن.....

پسر سوم گفت: نه! درختی بود پر بار از میوه‌ها و این باشکوه‌ترین صحنه‌ای بود که تا به امروز دیده‌ام.

پسر چهارم گفت: نه! درختی بود بالغ، اما خسته و خم به ابرو آورده.

مرد لبخندی زد و گفت: همه‌ی شما درست گفتید، اما هر یک از شما فقط یک فصل از زندگی درخت را دیده‌اید! شما نمی‌توانید درباره‌ی یک درخت یا یک انسان براساس یک فصل قضاوت کنید. آن زیبایی که در بهار و تابستان شاهدش بودید نتیجه‌ی استقامت درخت در پاییز و زمستان بود. اگر در "پاییز و زمستان" تسلیم شوید، امید شکوفایی "بهار" و زیبایی "تابستان" را از کف داده‌اید.

مبادا بگذاری درد و رنج یک فصل، زیبایی و شادی تمام فصل‌های دیگر را نابود کند!

زندگی را فقط با فصل‌های دشوارش نبین؛ در راه‌های سخت پایداری کن؛ لحظه‌های بهتر بالاخره از راه می‌رسند!

---



---

